

هو الله

ای یاران عبدالبهاء هرچند مدتی است که بواسطه قلم و مداد با شما گفتگوئی ننمودم ولی در عالم روح و فؤاد همیشه بیاد یاران جمال الهی مألوف بودم دمی فراموش ننمودم و نفسی نیاسودم بلکه در نهایت تضرع و ابتهاج بودم که آن احبای رحمانی و دوستان الهی از ملال جسمانی و روحانی در جمیع شئون و احوال محفوظ و مصون باشند و موفق بآن گردند که بگفتار و رفتار و کردار بر ابرار و اشرار هر دو ثابت و محقق گردد که این حزب مظلوم مفتون جمال ابهی هستند و منجذب نفعات قدس از افق اعلی زیرا این بیان و تبیان و خلق و خوی و روش و سلوک و فضائل و کمالات از فیوضات نور قدم و اشراقات اسم اعظم است مقصد آن است که حقیقت انسانیّه باید مانند آئینه از شعاع آفتاب حقیقت روشن باشد والا سنگ سیاهی و ظلمت اندر ظلمت است و شعاع شمس حقیقت عرفان است ایمان است ایقان است اطمینانست انجذابست التهاجست و استمرار در نشر نفعات است ای یاران الهی ایام بسرعت تمام یابد مالک و مملوک گمنام گردد نه اثری نه ثمری نه برگی نه شکوفه‌ئی جمیع مظهر هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً گردند مگر نفوسیکه بکلی از نفس و هوی بیزار شدند و مطلع انوار هدی گشتند مهبط اسرار شدند و سرحلقه ابرار گردیدند آنان مانند نجم زاهر از افق حقیقت تا ابدالآباد باهرند پس بکوشید تا از صهباء استقامت کبری بنوشید و بنهایت قوت در جمیع موارد مقاومت اهل غفلت نمائید و لو اجتمع علیکم من علی الأرض کله لا تخافوا و لا تهنوا و اعتمدوا علی انجاء جنود من ملکوت الله راحت ایامی چند نجوئید در عاقبت نگرید ملاحظه نمائید که نتایج محموده در اعمال و اطوار چه نفوسی موجود این دقت سبب عبرت شود و انسان بحقیقت پی برد

الهی الهی هو لاء ارقاء لک اذ لاء ببابک فقرآء الیک ضعفآء بین یدیک قدر لهم کلّ خیر و احفظهم عن کلّ ضیر و اجعلهم حماة حصنک الحصین و رعاة اغنامک فی تلک الأقالیم و رماة ناقض عهدک بسهام سلطان مبین و برهان عظیم و اجعلهم سرجاً ساطعة بفیض التور المبین حتی یقوموا اشدّ القیام علی اعلاء کلمتک فی ذلک القطر السّحیق ربّ ربّ هو لاء طیور ضعاف اجعلهم نسوراً فی اوج الألطاف و صقور الفضل و الانصاف و احمهم من الاعتساف انک انت القویّ الوهاب و انک انت العزیز المهیمن المتعال ع